

أسئلة طرحها عليهم للنقاش ولا من مجيب كالعادة !!

سوالاتی که ایشان برای بحث و مناقشه مطرح کرده است ولی طبق معمول کسی پاسخ گو نیست!

أوليسوا هم علماء ؟

مگر اینها عالم نیستند؟

ويقولون لأتباعهم: إنَّ أحمدَ الحسنَ رجلَ عامي ولا يعرف حتى أبسط الأمور ؟

و به پیروان خود نمی گویند: احمد الحسن فردی جاهل و بی سواد است و حتی ساده ترین چیزها را هم نمی داند؟

إذن، أجبوا أسئلته، ولا أقول ردوا على كتبه التي قاربت الخمسين إصداراً في شتى جوانب المعرفة الدينية، وهي منشورة بأجمعها في موقع دعوته الرسمي، ويمكنكم تحميلها وقراءتها مجاناً !

بسیار خب، حال به پرسش های او پاسخ بدهید. من نمی گویم بر کتاب های او که نزدیک به پنجاه جلد در حوزه های مختلف معرفت دینی است، ردیه بنویسید! تمام این کتابها در سایت رسمی دعوت ایشان منتشر شده و می توانید آنها را رایگان دانلود و مطالعه نمایید.

سأنقل دعوته لكم لإجابة أسئلته التي طرحها في صفحته الرسمية في الفيسبوك منذ أشهر، فلماذا تلوزون بالفرار أو تكتفون بالصمت أمام من لا يعرف أبسط الأمور !!

دعوت ایشان را مطرح می کنم تا به سوالاتی که ماهها است ایشان در صفحه ی رسمی اش در فیس بوک عرضه نموده، پاسخ دهید؛ پس چرا از مقابل کسی که ساده ترین چیزها را هم نمی داند، فرار می کنید یا به سکوت بسنده می نمایید؟!

علماء، إنَّ الأسئلة التي سنقرأها الآن هي في مواضيع لها تمام الصلة بشبهات الملحدين وإبطالها وإثبات وجود الله، وهو موضوع في غاية الأهمية كما هو معلوم، وهذا نصُّ دعوته لهم:

متذكر می شوم این سوالاتی که الآن آنها را می خوانیم، مربوط به موضوعاتی است که با شبهات ملحدين و ابطال آنها و نیز اثبات وجود خدا ارتباط تنگاتنگی دارد و این موضوعی است به غایت مهم، همان طور که مشخص است. این متن دعوت ایشان **(علیه السلام)** خطاب به آنها است:

[سأحاول أن أطرح مواضيع علمية مرتبطة بالخلق وإثبات وجود إله أو عدمه.

«من درصدم مطرح کردن موضوعات علمی مربوط به آفرینش و اثبات وجود یا عدم وجود خدا می باشم.»

هذه المواضيع العلمية مهمة، وما أجده في الساحة العلمية أنَّ الإلحاد منتصر علمياً وبفارق كبير جداً على من يدعون تمثيل الأديان، فهؤلاء الذين يسمونهم علماء سواء المسلمين الشيعة والسنة والوهابية أم المسيحيين أم اليهود يردون على مواضيع علمية دون فهم ما يطرحه علماء علم الأحياء التطوري وغيرهم أصلاً، فهم كمن أساء سمعاً فأساء إجابة، ولهذا فقد كتبت كتاباً هو مكتمل الآن تقريباً وناقشت فيه أهم النظريات العلمية المثبتة تجريبياً أو رياضياً ونظرياً، وإن شاء الله سوف أنشره عندما أجد أن هناك من هم مؤهلين معرفياً لفهم ما كتبت؛ لأنه يحتاج اطلاعاً لا بأس به على علوم مثل: الجيولوجيا التاريخية (أو تاريخ الأرض) والتاريخ القديم، والاركيولوجي (علم الآثار)، وعلم الأحياء التطوري، والفيزياء النظرية، والكوزمولوجي (علم الكون)، والانثروبولوجي، وعلم الهندسة الجينية، والطب، والفلسفة، وغيرها.

این مباحث علمی، بسیار مهم می باشد و آنچه من در میدان علمی می بینم عبارت است از پیروزی علمی الحاد (بی خدایی) آن هم با برتری بسیار بالا بر کسانی که مدعی نمایندگی ادیان هستند؛ کسانی که عالم نام نهاده شده اند چه مسلمان شیعه باشند، چه سنی، چه وهابی و چه

مسیحی یا یهودی؛ در حالی به مناقشات علمی پاسخ می‌دهند که چیزی از آنها سر در نمی‌آورند و نمی‌دانند دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی و دیگران چه گفته‌اند و چه مطرح کرده‌اند. آنها همچون کسانی هستند که به قول معروف بد شنیدند و بد پاسخ دادند. به همین دلیل کتابی به نگارش در آورده‌ام که اکنون تقریباً کامل شده و در آن مهم‌ترین نظریات علمی که به لحاظ آزمایشگاهی، ریاضی و نظری به اثبات رسیده است را به بحث و بررسی گذاشته‌ام. به خواست خدا در آینده در صورت وجود افرادی که بعد معرفی کتابی که نگاشته‌ام را درک نمایند، کتاب را منتشر خواهم نمود؛ زیرا درک آن به ناچار نیازمند به اطلاعاتی در زمینه‌های زمین‌شناسی تاریخی (تاریخ زمین)، تاریخ باستان، باستان‌شناسی (علم تاریخ)، علم زیست‌شناسی تکاملی، فیزیک نظری، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، مهندسی ژنتیک، پزشکی، فلسفه و نظایر آن می‌باشد.

أسئلة للنقاش:

سؤالات مورد بحث:

ما هي آراء علماء الشيعة، السنة، الوهابية، والمسيحيين بنظريتي النشوء والارتقاء أو كما يعرفها عامة الناس بنظرية التطور أو نظرية دارون؟

نظر علمای شیعه، سنی، وهابی و مسیحی در خصوص دو نظریه‌ی پیدایش و ارتقاء یا همان طور که بین عامه‌ی مردم شایع است نظریه‌ی تکامل یا نظریه‌ی داروین چیست؟

وما هو رد منكرها العلمي عليها؟

پاسخ علمی کسانی که این نظریه را رد می‌کنند چیست؟

وما هو طريق إثبات وجود إله ضمن حدود الحياة الأرضية لمن يقبلون نظرية التطور؟

از دید کسانی که نظریه‌ی تکامل را قبول دارند، راه اثبات وجود خدا در چهارچوب زندگی زمینی کدام است؟

ما هو رأيهم بنظرية الجينة الأنانية؟

عقیده‌ی آنها نسبت به نظریه‌ی ژن خودخواه چیست؟

ما هو رأيهم بنظرية الأغشية أو نظرية أم ووجود أكثر من أربعة أبعاد في هذا الكون، أحد عشر بعداً حتى الآن؟

آنها در مورد نظریه‌ی پوسته‌ها یا نظریه ام^۱ و نیز وجود بیش از چهار بعد در این هستی و این که تا کنون یازده بعد شناسایی شده چه دیدگاهی دارند؟

ما هو رأيهم بما طرحه بروفيسور ستيفن هوكنج أخيراً عن أصل الكون وبدائته وأن نظرية أم ونظرية الكم كافيتان لتفسير ظهور الكون من العدم؟

آنها در خصوص آنچه پروفیسور استیون هاوکنگ اخیراً در باب اصل کیهان و پیدایش آن مطرح کرده و گفته نظریه‌ی ام و نظریه‌ی فیزیک کوانتوم برای تفسیر «پیدایش هستی از عدم» کفایت می‌کند چه ایده‌ای دارند؟

ما هو رأيهم بما يقوله علماء الفيزياء بأن مجموع الطاقة الموجبة والطاقة السالبة في الكون المادي يساوي صفر؟

آنها در خصوص سخن فیزیکدان‌ها مبنی بر این که مجموع انرژی مثبت و منفی در جهان مادی برابر با صفر است، چه نظری دارند؟

متى عاش آدم في هذه الأرض؟ ولا أريد منهم تاريخاً دقيقاً، بل اجمالياً أي مثلاً يقولون عشرات آلاف أو مئات آلاف أو ملايين السنين.

حضرت آدم چه هنگام بر این زمین زندگی می‌کرده است؟ من تاریخ دقیقی از آنها نمی‌خواهم بلکه به طور اجمال مثلاً بگویند ده‌ها هزار یا صدها هزار یا میلیون‌ها سال پیش.

أين وقع طوفان نوح؟

طوفان نوح در کجا حادث شده است؟

متى وقع طوفان نوح ؟ ولا أريد منهم تاريخاً دقيقاً، بل اجمالياً أي مثلاً يقولون عشرات آلاف أو مئات آلاف أو ملايين السنين.

طوفان نوح چه هنگام رخ داد؟ تاریخ دقیقی از آنها نمی‌خواهم بلکه به طور اجمال مثلاً بگویند ده‌ها هزار یا صدها هزار یا میلیون‌ها سال پیش.

وكيف وقع، وكيف كان الموج كالجبال كما ذكر في القرآن ؟

این طوفان به چه صورتی روی داده و چگونه همان طور که در قرآن ذکر شده، امواج آن کوه‌آسا بوده است؟

هل شمل الطوفان كل الأرض ؟

آیا طوفان همه‌ی زمین را دربرگرفت؟

هل هلك كل الأحياء على الأرض بطوفان نوح ؟

آیا با طوفان نوح همه‌ی موجودات زنده‌ی روی زمین از بین رفتند؟

وإذا كان جوابهم أنه شمل كل الأرض وهلكت كل الكائنات الحية أو على الأقل الحيوانات على الأرض، فما هو تعليلهم لوجود حيوانات الجزر المعزولة فيها فقط مثل جرابيات استراليا وحيوان الفوسا fossa في مدغشقر وكثير غيرها ؟

اگر جواب آنها این است که طوفان همه جای زمین را درنوردید و تمام موجودات زنده یا لااقل حیوانات روی زمین را به کام مرگ کشاند، توجیه آنها برای وجود حیواناتی در جزیره‌های جدا افتاده مانند کیسه‌داران استرالیا و حیوان فوسا (fossa) در ماداگاسکار و بسیاری موارد مشابه دیگر چیست؟

هذه الأسئلة العلمية مرتبطة بإثبات أو إنكار وجود الله، ولهذا فعلى من يدعون تمثيل الأديان إجابتها كلها بأجوبة متوافقة مع العلم الحديث، وليس أجوبة روائية أو نصوص دينية ظنية الصدور

أو الدلالة ومتعارضة مع الواقع المثبت علمياً بشكل قاطع، كحقائق التاريخ الجيولوجي للأرض وما تحتويه طبقاتها، فهكذا نصوص دينية؛ إما أنها غير صحيحة، أو أن تؤوّل؛ لأنها تعارض حقائق علمية ثابتة.

این پرسش‌های علمی، با اثبات یا انکار وجود خدا مربوط می‌باشد و لذا کسانی که ادعای نمایندگی ادیان را دارند باید به همهی آنها پاسخ بدهند؛ آن هم پاسخی‌هایی سازگار با علم نوین و نه پاسخی‌هایی روایی یا متون دینی ظنی الصدور یا ظنی الدلالات که با امور علمی کاملاً ثابت شده مانند واقعیت‌های تاریخ زمین‌شناسی و آنچه در لایه‌های زمین قرار دارد، سر ناسازگاری داشته باشد. اما متون دینی، یا صحیح نیستند و یا باید تأویل شوند زیرا با حقایق علمی ثابت شده سازگار می‌باشند.

إذن، المطلوب من فقهاء الأديان إجابات علمية على الأسئلة أعلاه، وأعتقد أنهم عاجزون تماماً عن طرح أي إجابة علمية ذات قيمة، بل كل ما اطلعت عليه وجدته عبارة عن فهم خاطئ للمسائل العلمية وردهم على فهمهم الخاطئ، أي أنهم مثلاً يفرضون أن نظرية التطور تقول كذا ويردون على هذا القول، ويعتبرون أنفسهم قد ردوا على نظرية التطور، في حين أنهم يردون على قولهم وفهمهم الخاطئ لنظرية التطور وليس على ما تقوله نظرية التطور حقيقة.

لذا بر فقهای ادیان است که به پرسش‌های فوق‌الذکر پاسخ‌های علمی ارائه نمایند. البته من بر این باورم که آنها قادر به ارائه‌ی هیچ پاسخ علمی ارزشمندی نیستند؛ بلکه هر آنچه که من به آن برخورد کردم، عبارت بود از درک نادرست از موضوعات علمی، و پاسخ آنها نیز از همین درک و فهم غلط ناشی می‌شود؛ یعنی مثلاً آنها فرض می‌گیرند که تئوری تکامل قائل به فلان مورد است و سپس خودشان به این قول پاسخ می‌دهند و پیش خود چنین در نظر می‌گیرند که به نظریه‌ی تکامل پاسخ داده‌اند، در حالی که آنها در واقع به دید غلطی که نسبت به تئوری تکامل دارند پاسخ داده‌اند، و نه به آنچه که واقعاً نظریه‌ی تکامل از آن سخن می‌گوید.

ما أعتقد أن هذه المرحلة التي نعیشها اليوم وما هو مطروح في هذه المواضيع العلمية المرتبطة ارتباطاً مباشراً بالدين وبإثبات وجود الله سبحانه أكبر بكثير من هؤلاء الذين يدعون أنهم علماء الأديان،

به نظر من این برهه که ما در آن زندگی می‌کنیم و آنچه در این زمینه‌های علمی مطرح می‌شود بسیار بیشتر از این کسانی که ادعای عالم دینی بودن را دارند، با دین و وجود خدای

وكتابات وأقوال فقهاء الشيعة والسنة والمسيحين التي اطلعت عليها هي كتابات وأقوال ساذجة صالحة للتسويق المحلي فقط، ولخداع بعض اتباعهم المخدرين والراضين بالجهل لا أكثر، ولا يمكن أن تقنع ردودهم شخصاً مطلعاً بشكل جيد على علم الأحياء التطويري وعلم الجينات والفيزياء مثلاً، بل سينظر لهم على أنهم سدج وجهال وكذابون لا أكثر.

نوشته‌ها و گفته‌های فقهای شیعه، سنی و مسیحی که من بر آنها وقوف یافته‌ام، در واقع نوشته‌ها و گفته‌هایی بی‌مایه است که فقط به درد بازارگرمی خودشان می‌خورد و فقط به کار فریفتن برخی پیروان خرفت و تخدیر شده‌ی آنها که به جهل راضی‌اند می‌آید، نه بیشتر و رديه‌های آنان نمی‌تواند شخصی که به طور جدی از علومى چون زیست‌شناسی تکاملی، علم ژنتیک و فیزیک سررشته دارد را قانع نماید بلکه این فرد آنها را افرادی ساده، جاهل و دروغ‌گو درمی‌یابد و نه چیز دیگر.

وإن شاء الله، سأناقش لكم بعض أقوالهم وكتاباتهم في هذه الصفحة لتطلعوا بأنفسكم على مستواهم العلمي وما يحسنون، وستعلمون لماذا هم لا يجدون طريقاً علمياً لمواجهة أحمد الحسن، فيلجئون إلى الكذب والافتراء أو الاستعانة بقوات عسكرية موالية لهم للهجوم على مكتب أحمد الحسن في النجف، أو الهجوم على بيت أحمد الحسن بقوات عسكرية ضخمة، فالسبب الآن سيتوضح لكم بجلاء وهو أن وجود أحمد الحسن ظاهراً بين الناس يفضحهم ويبين جهلهم.

به خواست خدا، در این کتاب بخشی از گفته‌ها و نوشته‌های آنها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهم تا خودتان سطح علمی آنها را دریابید و خودتان خواهید فهمید که چرا آنها در مواجهه با احمد الحسن فاقد اسلوب علمی هستند و لذا به دروغ و افترا متوسل می‌شوند و یا با کمک نیروهای نظامی هوادار خود برای یورش به مکتب احمد الحسن در نجف یا حمله به خانه‌ی وی با استفاده از انبوه نیروهای مسلح روی می‌آورند. اکنون دلیل این اقدامات به روشنی برای شما آشکار می‌شود به این ترتیب که وجود آشکار احمد الحسن در بین مردم، تشتت رسوایی آنها را پابین خواهد انداخت و جهل و نادانی‌شان را بر ملا خواهد ساخت.

وسأريكم إن شاء الله في هذه الصفحة خواءهم العلمي والفكري.

ان شاء الله در این کتاب، بی‌مایگی علمی و فکری آنها را به شما نشان خواهم داد.

**وما أتمناه من المتعلمين هو أن يتعبوا أنفسهم قليلاً معي
ويتعلموا ويقرؤوا، فوالله إنه يؤلنا أن يقعوا ضحية لماكر يستغل
جهلهم بمسألة علمية أو دينية معينة فيبعدهم عن الحق كما هو
حاصل اليوم عندما خدعهم فقهاء الضلال بكذبة وجوب تقليد غير
المعصوم.**

از طالبان علم این درخواست را دارم که همگام با من، اندکی به خودشان زحمت بدهند و به آموختن و مطالعه بپردازند. به خدا سوگند برای ما دردآور است که بینیم مردم در دام افراد حيله‌گری می‌افتند که با سوء استفاده از جهل مردم نسبت به مسائل خاص علمی یا دینی، آنها را از حق دور می‌سازند؛ همان طور که امروزه در عمل می‌بینیم فقهای گمراه با دروغ و وجوب تقلید از غیرمعصوم، آنها را فریب داده‌اند.

**ومن يتبنى رأياً معيناً من آرائهم فليأت به هنا، وإن شاء الله
سأطلع على ما يكتب وأتفاعل معه في كتاباتي.**

اگر کسی نظر و ایده‌ی خاصی بر پایه‌ی آراء آنها دارد، آن را عرضه نماید؛ به خواست خدا بر نوشته‌های او اطلاع می‌یابم و با مکتوباتم با او تعامل می‌ورزم.

**وفيما يخصني فهذه الأسئلة وأكثر منها بكثير أجبتها في كتاب
"وهم الإلحاد"، وإن شاء الله سأقوم بنشره قريباً، والذي يحوي أيضاً
على ما يمكن أن يسمّى مناظرة علمية مع بروفيسور ريتشارد دوكنز
الذي يعتبر من أكبر علماء الأحياء التطويرية المعاصرين، وبروفيسور
ستيفن هوكنج وهو من أكبر علماء الفيزياء النظرية والرياضيات
التطبيقية ومتخصص في علم الكون وله نظرية مثبتة في اشعاع
الثقوب السوداء.**

در کتاب «وهم الحاد» که ان شاء الله به زودی آن را منتشر می‌کنم، من به سهم خودم به این پرسش‌ها و بسیاری سؤالات دیگر پاسخ داده‌ام. این کتاب همچنین حاوی مطالبی است که شاید بتوان آن را مناظره‌ی علمی با پروفیسور ریچارد داوکینز که یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان

زیست‌شناسی تکاملی در عصر حاضر به شمار می‌رود، و همچنین با پروفیسور استیون هاوکینگ، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان فیزیک نظری و ریاضیات کاربردی، متخصص در حوزه‌ی کیهان‌شناسی و صاحب نظریه‌ی ثابت شده‌ی پرتوزایی سیاه چاله‌ها، به شمار آورد.

أنتظر رد المراجع على هذه الأسئلة كلها لتبدأ مناظرة بيني وبينهم فيها إذا كانوا رافضين للمواضيع التي طرحتها عليهم سابقا، وأقترح عليهم أن يستعينوا بأساتذة جامعيين لفهم هذه المواضيع والمصطلحات لكي لا يتعبوني في المناظرة].

منتظر پاسخ مراجع به این پرسش‌ها و مسایل می‌باشم تا مناظره بین من و ایشان آغاز شود اگر آنها ردیه‌ای در زمینه‌ها و موضوعاتی که پیشتر علیه آنها مطرح نموده بودم، داشته باشند. همچنین به آنها پیشنهاد می‌کنم که برای فهم این موضوعات و اصطلاحات، از اساتید دانشگاه‌ها کمک بگیرند تا مرا در مناظره خسته نکنند».

أين إجاباتكم، ولا أقل دفاعكم عن دين الله أمام شبهات الملحدين ؟

پاسخ‌های شما کجا است؟ لا اقل دفاع شما از دین خدا در برابر شبهات ملحدین کجا است؟

حتى متى يستمر مسلسل خداع الناس المساكين !!

تا کی داستان دنباله‌دار فریفتن مردم بیچاره باید ادامه پیدا کند!!

والآن، يضيف السيد أحمد الحسن (عليه السلام) سؤالاً جديداً يطرحه عليكم، عسى أن يخترق حجب الصمت، فينتفض أحدكم لإجابته، يقول:

اکنون سید احمد الحسن (علیه السلام) پرسش جدیدی را برای شما مطرح می‌کند، شاید که پرده‌های سکوت را بدرد و یکی از شما برای پاسخ دادن تکانی به خود دهد. ایشان می‌فرماید:

[لدي سؤال لهم ولا أعتقد أنهم يستطيعون إجابته، وهو أول سؤال يمكن أن يتبادر لذهن الإنسان إذا طلبت منه الإيمان: أين خلق الله الخلق ؟

«من سؤالی از آنها دارم و البته گمان نمی‌کنم بتوانند آن را پاسخ بدهند؛ که آن، اولین سؤالی است که شاید به ذهن انسانی که از او ایمان به خدا را طلب می‌کند، متبادر شود: خدا خلق را در کجا به وجود آورده است؟»

فلیأخذوا عشر سنوات وبعضهم لبعض ظهیر، ولیأتونا بإجابة هذا السؤال.

دهها سال زمان بگیرند و دست به دست هم بدهند و پاسخ این سؤال را برای ما بیاورند.

كل إجاباتهم لن تخرج عن أمرين: إما سينزلقون إلى تعدد اللاهوت المطلق كالوهابية، أو سيعجزون عن البيان.

همه‌ی جواب‌های آنها از دو حالت خارج نیست: یا به وادی تعدد لاهوت مطلق فرو می‌غلطند مانند وهابیت، و یا از تبیین و توضیح پاسخ درمی‌مانند.

الحقیقة، إنني لم أجد أحداً منهم إلى الآن أجاب هذا السؤال، أو تعرض له غير الوهابية الذين يقولون: إن الله خلق الخلق خارجاً عن الذات، وهذا يعني تعدد القدماء حتماً؛ لأن هذا الخارج لا يخلو إما حادثاً أو قديم، فإذا كان قديماً تعدد اللاهوت، وإذا كان هذا الخارج حادثاً فأين خلق وهكذا يتسلسل، وينتهي الأمر بتعدد اللاهوت المطلق.

واقعیت آن است که من تا کنون ندیده‌ام کسی از آنها به این سؤال پاسخ بدهد یا اصلاً به سراغ آن رفته باشد، به غیر از وهابی‌ها که می‌گویند: خداوند خلق را در خارج از ذات آفریده. قطعاً این به معنای تعدد قدما است زیرا این خارج، یا حادث است یا قدیم. اگر قدیم باشد تعدد لاهوت پیش می‌آید و اگر این خارج حادث باشد، پس کجا خلق شده است؟ این دیدگاه به تسلسل می‌انجامد تا در نهایت به تعدد لاهوت مطلق خاتمه یابد.

الجواب الثاني المحتمل: إنه خلق الخلق في الذات، وهذا يعني أن الذات صارت محلاً للحوادث، وهو يعني حدوثها ونقض اللاهوت المطلق.

دومین پاسخ احتمالی این است: خداوند خلق را در ذات آفریده و این یعنی ذات محلی برای

حوادث شده و این یعنی حادث بودن ذات و نقض لاهوت مطلق.

أما الأمر الثالث: فهو لا في الذات ولا خارج عنه، وهذا الكلام ليس جواباً.

اما شكل سوم: خداوند خلق را نه در ذات آفریده و نه در خارج از آن؛ که البته چنین سخنی، پاسخ محسوب نمی‌شود.

حسب معرفتي، هذه المسألة يهربون منها، نعم وجدت لبعض الوهابيين جواباً أن الخلق خارج الذات، والوهابية كما هو معلوم دينهم كله مقلوب ولا يهمهم أن يتعدد اللاهوت.

طبق شناختی که من دارم، آنها از روبه‌رو شدن با این مسئله فرار می‌کنند. آری از برخی وهابی‌ها پاسخی یافتم مبنی بر این که خلق در خارج از ذات است. البته همان طور که مشخص است دین وهابیت کاملاً واژگونه است و تعدد لاهوت برای آنها اهمیتی ندارد.

ومثل هذه الأسئلة لدي مئات يعجزون عن إجابتها.

من صدها سؤال از این دست دارم که آنها از پاسخ دادن به آنها عاجزند.

بعضهم يقول: نريد مناظرة أحمد الحسن بعد أن أهدروا دمه وحرّضوا الدولة على قتله، يناظرون في ماذا، والكتب موجودة بين أيديهم وهم عاجزون عن ردها فليردوا على ما في كتبي وإن وجدت أن ما يكتبون يستحق الرد سأرد بنفسي، وبعض سفهائهم تكلموا في الفضائيات وبينوا ما لديهم من إشكالات سانجة على الدعوة ورد عليهم الأنصار بتسجيلات فيديو ومقالات منشورة على اليوتيوب والفيس بوك وغيرها من وسائل النشر والتواصل على الإنترنت، وقد تبين مستواهم وأن إشكالاتهم خاوية بلا قيمة، وتبين أنهم جهلون أبسط الأمور العلمية، فبماذا يناظر هؤلاء الجهلة أحمد الحسن؟! ها هم طرحوا ما عندهم في فضائياتهم وردّ عليهم الأنصار وبينوا جهلهم وكذبهم وخوائهم.

برخی از آنها می‌گویند: می‌خواهیم با احمد الحسن مناظره کنیم. بعد از این که خوش را مباح کردند و دولت را بر کشتن او تشویق و ترغیب نمودند، حال در مورد چه چیزی می‌خواهند مناظره کنند؟! این در حالی است که کتاب‌ها در دسترس‌شان است و آنها از پاسخ‌گویی به آن ناتوانند. به آنچه در کتاب‌هایم آمده پاسخ بدهند و اگر ببینم آنچه نوشته‌اند ارزش پاسخ‌گویی دارد، خودم پاسخ‌شان را می‌دهم. برخی نادان‌های آنها در شبکه‌های ماهواره‌ای لب به سخن گشوده و اشکالات بی‌مایه‌ای که علیه دعوت دارند را برملا ساخته‌اند. انصار نیز با نوارهای ویدئویی و مقالاتی که در یوتیوب، فیس‌بوک و دیگر ابزار انتشار مطلب و برقراری ارتباط اینترنتی منتشر نموده‌اند، پاسخ آنها را داده‌اند. اکنون سطح نازل آنها مشخص شده و معلوم گشته که اشکالات بی‌مایه‌ی آنها فاقد ارزش است و نیز آشکار گشته که آنها نسبت به ساده‌ترین امور علمی نیز جاهل‌اند؛ حال این جاهلان با چه چیزی می‌خواهند با احمد الحسن مناظره کنند؟! آن‌ها آنچه در چنته داشته‌اند را در شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح کرده‌اند و انصار به آنها پاسخ داده‌اند و جهل و بی‌مایگی ایشان را هویدا ساخته‌اند.

يعني لو سألتهم مثلاً: أين كان طوفان نوح، وما هي الأزواج التي حملها معه؟ هل يستطيعون الإجابة بعلم له قيمة ويطابق الواقع ولا يكونون مضحكة لعلماء الأحياء والجيولوجيا؟ هؤلاء جهلة عموماً.]

یعنی اگر به عنوان مثال از آنها بپرسی: طوفان نوح کجا رخ داد و جفت حیواناتی که او با خود حمل کرد چه بودند؟ آیا قادرند پاسخی علمی و بالارزش بدهند که با واقعیت کنونی سازگاری داشته باشد و خود را مضحکه‌ی دانشمندان زیست‌شناسی و زمین‌شناسان نمایند؟! اینها اغلب جاهل‌اند».

والآن، هل سيجيب من يسمون أنفسهم علماء هذه الأسئلة، بدل الاكتفاء بحمل الناس على رفض دعوة يمانى آل محمد، ومن قالوا (عليهم السلام) عنه أنه الوحيد الذي يجيب عن العظائم إذا سألتموه عنها !!

اکنون آیا کسانی که خود را عالم می‌نامند، به جای این که مردم را به رد دعوت یمان‌ی آل محمد همان کسی که آل محمد (علیهم السلام) در مورد او گفته‌اند وی تنها کسی است که هرگاه درباره‌ی چیزهای مهم و بزرگ از او سؤال شود می‌تواند جواب دهد، فرا بخوانند، آیا نباید به این سؤالات پاسخ گویند؟!

